

بررسی نقش برجسته بهرام اول (گیلان شاه) در تنگ چوگان بر اساس داده های باستان شناسی

سمیرا صهابی پاسبان^۱، حسین فیضی^۲

چکیده:

از بهرام اول تعداد یک نقش برجسته باقی مانده است که اعطای منصب شاهی در تنگ چوگان بیشاپور را شامل می‌شود. این حجاری دارای سه نقش می‌باشد، در سمت راست نقش بهرام اول (گیلان شاه) حجاری شده است که در این نقش او از تاجی مخصوص به خود استفاده نموده که شناخت او را بسیار آسان کرده است. تاج او طوقه ای با انواری از نماد ایزد باد (وایویاواته) است را شامل می‌شود که گوی بزرگی را بر روی خود جای داده است. در سمت چپ تصویر شخص با تاج کنگره دار قرار دارد که شباهت بسیار به تاج اردشیر پاپکان و شاهپور اول (کوشان شاه) دارد. در زیر پای اسب بهرام تصویر شخصی هست که بعداً به تصویر اصلی اضافه شده است و او را بهرام سوم (سکان شاه) معرفی کرده‌اند.

کلید واژه: ساسانیان، نقش برجسته، تنگ چوگان، بهرام اول

^۱دانشجوی دوره کارشناسی ارشد موسسه غیر انتفاعی مارلیک نوشهر

^۲کارشناس ارشد باستان شناسی دانشگاه آزاد مرودشت

Investigation of the Sasanian highlights of Bahram I (Tange chowgan) Based on archaeological data.

Samira Sahabi, Hossein Feizi

Abstract

From Bahram I remains a number of embossed painting that include the awarding of the kingdom in the Tange Chowgan Bishapoor. This carving has a person's image. On the right side of Bahram I (Gilan Shah), in which he uses his special crown, which made very easy to recognize him. The crown has a crown with an anecdote of the goddess of the goddess (Viraya Vate), which contains a large ears. On the left is a personal image with a crowned congress that resembles the crown of Ardeshir Babcan and Shahpour I (Kushan Shah). There is an image below the horse's foot, Bahram that later added to the original image and introduced

him to Bahram Shah -III (Sakan Shah).

Key words: Sassanian, embossed painting, Tange Chowgan , Bahram I

مقدمه:

ظهور ساسانیان از اهمیت خاصی در فرآیند کلی تاریخ ایران و خطه پارس برخوردار است. از آنجایی که ساسانیان خود مستقر در خطه پارس بودن این اهمیت چند برابر بیشتر می‌شود. بنابراین لازم است، وضعیت دقیق یافته‌های باستان‌شناسی، خاصه نقش برجسته‌های این دوره روشن و محتوای تاریخی آنها از هرگونه ابهام و تاریکی زدوده شود، بر این اساس مهمترین هدف این مقاله، روشن کردن تعلق و هویت واقعی نقش برجسته بهرام اول (گیلان شاه) در منطقه تنگ چوگان بیشاپور می‌باشد.

ما در این مقاله به نقش برجسته ساسانی متعلق به بهرام اول (گیلان شاه) در منطقه تنگ چوگان بیشاپور از دیدگاه (نوع صحنه) پرداخته‌ایم و آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم و براساس مستندات تاریخی ویژگی‌های هنری زمان، طبقه بندی و تاریخ‌گذاری نموده‌ایم. نقش برجسته‌های ساسانی تاکنون به طرق مختلف توسط باستان‌شناسان و محققان خارجی همچون آقایان: فلاندن، پ. کوست، ور. گیرشمن، هرتسفلد، زاره، و. ب. هینگ، و. هینس، وک. اردمان آلمانی، و. گ. لوکونین روسی و خانم‌ها: جورجینا هرمان انگلیسی و دالیویت آمریکایی و باستان‌شناسان و محققان ایرانی چون آقایان: علی اکبرسرفراز، علی سامی، فریدون آور زمانی، مهدی روشن ضمیر، سیدرسول موسوی حاجی و سرکارخانم ملکزاده بیانی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این مطالعات که در کتب و نشریات مختلف خارجی و فارسی به چاپ رسیده حکایت از عدم توافق و اتفاق نظر محققین در بسیاری از موارد می‌نماید و این خود یکی از دلایل ترغیب نگارندگان در انجام این تحقیق می‌باشد. در نوشتن این مقاله ما از دو روش توصیفی و تحلیلی بر اساس:

الف- داده‌های کتابخانه‌ای که بصورت فیش برداری از مطالعات پژوهش‌های گذشته است.

ب- روش میدانی بصورت بررسی و مشاهده نقش برجسته موجود در منطقه (تنگ چوگان بیشاپور). بدین منظور حجاری‌ها برای توصیف جزئیات این نقوش بدقت مورد مشاهده قرار گرفتن. آنگاه با تطبیق و تلفیق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی و مشاهدات میدانی و ابراز نظر نگارندگان مقاله حاضر تدوین و تالیف گردید.

نقش بهرام اول (گیلان شاه)

این نقش برجسته در سمت راست رودخانه شاهپور در تنگ چوگان بیشاپور و درست مقابل نقش برجسته شاهپور اول که در سمت چپ کوه نقش گردید، به همان شیوه و سبک حجاری شده است (شکل 1).

طول این نقش برجسته 9/5 متر و ارتفاع آن بیش از چهار متر می‌باشد. در این نقش برجسته بهرام اول (سمت راست) و اهورامزدا (سمت چپ) هر دو سوار بر اسب هستند و اهورامزدا فره ایزدی را به شاه ساسانی اعطا می‌کند. پوشاک و سلاح شاه و اهورامزدا به جز تاج آنها یکسان است. حتی تناسب اندام و آرایش اسبان نیز به یکدیگر شبیه است. اهورامزدا تاج کنگره داری به سردارد که حلقه های مجعد موی بر فراز آن پدیدار است. اما پادشاه ساسانی، تاج مشعشع بر سر دارد که بر فراز آن گوی بزرگ نصب شده است. تاج او طوقه‌ای با نواری که نماد ایزد باد (وایویاواته) است را شامل می‌شود، در حالی که گویی بزرگ را بر سر جای داده است. در مورد تاج بهرام اول (گیلان شاه) باید گفت در تصویر این گوی مورخین اسلامی همچون ابوریحان بیرونی و مسعودی این گوی را نماد ملی و مذهبی و نشان ایزد مهر دانسته‌اند و آن را نشانه‌ای از حاکمیت بر تمام جهان معرفی می‌کنند (طحان. 1330.133). این تاج عینا به شکل تاج‌هایی است که بر سکه‌های بهرام اول ضرب شده است و از این جهت هویت شاه با اطمینان معلوم می‌شود.

این نقش به تقلید از نقش برجسته‌های دیهیم ستانی سواره اردشیرپاکان در نقش رستم (شکل 2) و شاهپور اول در نقش رجب می‌باشد (شکل 3). در حجاری نقش سواره اردشیرپاکان در نقش رستم شاهپور اول در نقش رجب یک تفاوت ویژه وجود دارد و آن جایگاه نقش شده‌ی پادشاه ساسانی می‌باشد. در نقش رستم اردشیر در جایگاه سمت چپ حجاری شده است و اهورامزدا در سمت راست می‌باشد ولی در نقش رجب پادشاه ساسانی در سمت راست قرار گرفته و شخص حلقه دهنده در سمت چپ قرار گرفته و همین موتیف نیز در تنگ چوگان رعایت شده است.

احتمالا بهرام به تقلید از پدرش شاهپور اول این نقش را حجاری کرده است. پادشاه در سمت راست قرار گرفته است و شخص حلقه دهنده (دیهیم) در سمت چپ که قاعده کار هنگامی که تاج‌گیری از شخص اهورامزدا باشد اینگونه نمی‌باشد و همیشه نقوش که به یقین ما با نقش اهورامزدا مواجه هستیم او درست راست تصویر حجاری شده است در این نقش برجسته بر خلاف نقش برجسته تاجستانی اردشیر از اهورامزدا، بهرام اول درست راست قرار گرفته در این نقش اگر فرد مقابل را شاهپور اول معرفی کنیم در این صورت بهرام اول با این کار خود جنبه برحق بودن خود را نیز به عنوان جانشین شهریار پیشین مد نظر قرار داده است. باید اذعان کنیم که شهریارانی که خود را برادر مهر و ماه و از نژاد فرشتگان مقربی چون میترا و آناهیتا می‌دانستند، می‌توانستند به مانند فرشتگان نامبرده از جانب خداوند همچون شاهپور یکم سلطنت را به شاه دیگری تفویض کنند (طحان. 1340.1390).

نقش مذکور دارای کتیبه ای است که در گوشه سمت راست و بالای نقش یعنی در پشت سر بهرام اول کنده شده و برای اولین بار توسط لونگ پریر (Long Perier) خوانده شد. متن کتیبه به این شرح است: این پیکر مزدیسن بغ، نرسه شاهان شاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد، نوهی بغ اردشیر شاه شاهان (موسوی حاجی. 200.1396).

شکی نیست که این کتیبه همزمان با نقش، بهرام اول حک نگردید بلکه از محتوای آن که حاوی شجره، نام و عنوان نرسه است، چنین برداشت می‌شود که در دوره سلطنت نرسه پدید آمده است. درباره عواملی که سبب پیدایش این کتیبه شده، لوکونین چنین

می‌نویسد: « از اجزای نقش بیشاپور به سادگی می‌توان دریافت که تصویر از چه کسی است. بدین سبب در اینجا تنها یک گمان می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینکه نرسه، بهرام اول را مستحق نشستن بر سریر پادشاهی نمی‌دانست؛ بلکه خود را محقق و شایسته می‌شمرد. بنابراین زمانی که پس از او بر اریکه شاهی نشست، با شتاب فراوان کوشید تا آثار مربوط به یادبود شاه پیشین را منهدم سازد، (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

هرتسفلد پس از مطالعه دقیق این کتیبه اظهار می‌دارد که اصل کتیبه در زمان بهرام اول و همزمان با نقش برجسته ایجاد می‌شود و بعدها زمانی که نرسه به حکومت می‌رسد دستور می‌دهد تا با عملیات چکش کاری نام بهرام را حذف و نام نرسه را به جای آن حک نمایند. به اعتقاد وی این دستکاری عمدی کار چندان دشواری نبوده است. زیرا با پاک کردن نام بهرام و افزودن نام نرسه به آن، نیاز به ایجاد تغییرات دیگر نبوده است. برای آن که بقیه متن کتیبه که حاوی نام پدر و سایر اجداد است، تماماً این دو برادری یعنی بهرام اول و نرسه مشترک بوده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۲۷).

مهمترین مسئله در مطالعه و بررسی این نقش برجسته، علاوه بر کتیبه‌ی اضافه شده‌ای که شرح مختصر آن گذشت، نقش دشمن مغلوبی است که در زیر پای اسب بهرام اول نمودار گردید. این نقش بیش از سه قرن در میان گل و لای ناشی از جریان آب نه‌ری که از کنار نقش برجسته و چسبیده به آن می‌گذشت، مدفون شده بود و کسی هم از وجود آن آگاهی نداشت تا آنکه برای اولین بار در سال ۱۳۵۳ خورشیدی توسط علی اکبر سرفراز نمایان گردید و در معرض دید عموم قرار گرفت (موسوی‌حاجی، ۱۳۹۶: ۲۰۱).

کیفیت نقش به گونه‌ی نقش گردیانوس سوم امپراتور شکست خورده‌ی روم در زیر پای اسب شاپور اول، پدر بهرام است. ولی قیافه و پوشاک او مخصوصاً کلاهش، ایرانی است و در بخش، قدامی آن انحنایی وجود دارد که نظیر آن در سایر نقش برجسته‌های دوره‌ی ساسانی با مختصر اختلافی دیده می‌شود (سرفراز، ۱۳۷۲: ۳۱). تردیدی نیست که این نقش بعد از نقش اصلی ایجاد شده است. زیرا هم در خارج از قاب اصلی نقش برجسته‌ی بهرام اول قرار دارد و هم کیفیت حجاری آن با کیفیت حجاری نقش اصلی فرق دارد و این مهم در نگاه نخست قابل درک است. بدیهی است اگر طراحی، ساخت و پرداخت نقش مذکور همزمان با دیگر نقوش موجود در صحنه اصلی انجام می‌گرفت، آنگاه می‌باید مجموع نقوش در داخل یک کادر مشخص و از قبل طراحی شده قرار می‌گرفتند. حال آنکه نقش شخصیت مغلوب در کادری کاملاً مجزا از کادر اصلی قرار گرفته و عمق حجاری آن نیز به مراتب کمتر از عمق سایر نقوش می‌باشد. گیرشمن پس از آنکه متوجه حضور این اثر در نقش برجسته بهرام اول می‌شود احتمال می‌دهد که این نقش متعلق و مربوط به مانی پیغمبر باشد که در زمان سلطنت کوتاه بهرام اول به قتل رسید و به دستور شاه، تصویر پیکر بیجان او را به نقش اصلی اضافه کرده‌اند (گیرشمن، ۱۹۷۵: ۱۲۹-۱۱۹). واندنبرگ تعیین هویت انجام شده از سوی گیرشمن را کاملاً مردود دانسته و استدلال می‌نماید که مانی پیغمبر به هنگام مرگ بیش از شصت سال داشته است و در حالی که نقش مورد بحث در این نقش برجسته، جوان بدون ریش را نشان می‌دهد که سن و سال چندان از او نگذشته است (واندنبرگ، ۱۹۸۰: ۲۷۴-۲۷۳).

محققانی همچون: سرفراز، واندنبرگ و خانم هرمان با انجام مطالعات دقیق و دلایل کاملاً منطقی و علمی ثابت کردند که نقش مکشوفه از آن بهرام سوم است که به دستور نرسه پس از شکست او با عجله در زیر پای اسب بهرام اول که با افزوده شدن کتیبه، جای خود را به نرسه داده است، حجاری گردید تا به این وسیله اولاً، به مردم سرزمین پارسی اعلام دارد که بهرام سوم کشته شد و ثانیاً، نشان دهد که سلطنت حق و خاصی اوست و در حقیقت اوست که به جای بهرام اول در حال ستاندن حلقه سلطنتی از خدای

بزرگ اهورامزدا است. فریدون آورزمانی نیز در تأیید این انتساب، به سکه‌های بهرام دوم اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که بر روی برخی از سکه‌های بهرام دوم، تصویر ولیعهد (بهرام سوم) در مقابل شاه با کلاهی بلند که بخش قدامی آن دارای انحنا است، نقش گردیده است. این تصویر که مسلماً مربوط به بهرام سوم می‌باشد از لحاظ چهره نگاری با نقش شخصیت مغلوب بسیار نزدیک است (آورزمانی، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۶).

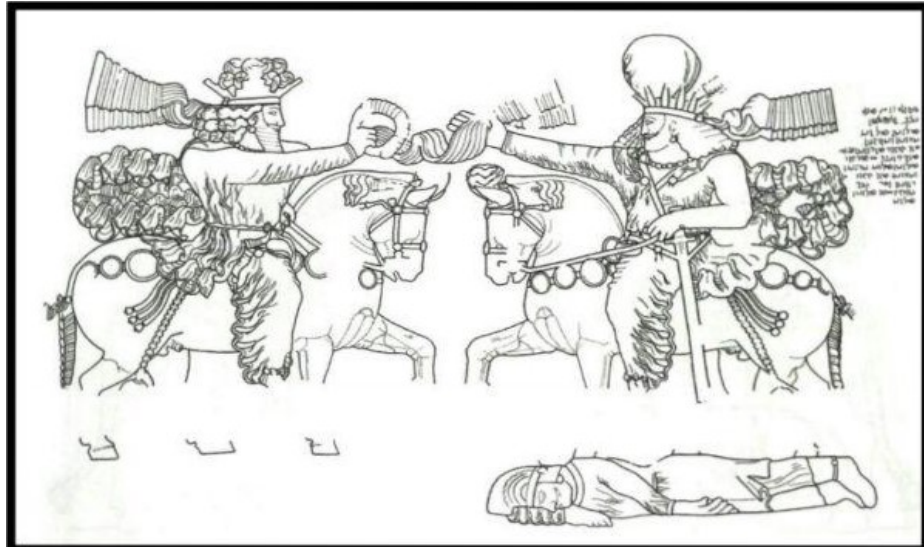
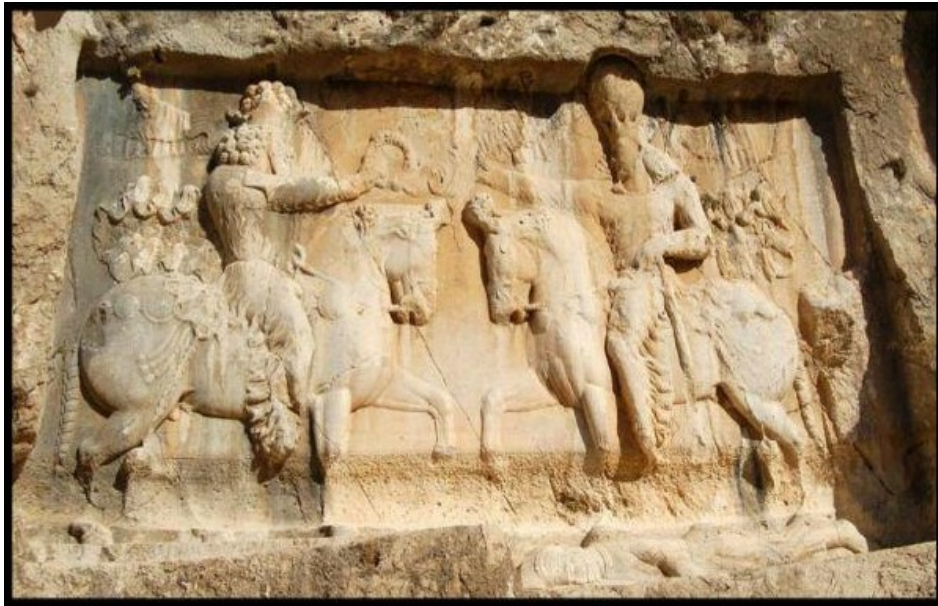
لازم به تذکر است، کلاهی که شخصی مغلوب در این نقش برجسته بر سر دارد، مخصوص سکانشاه بوده و در نقش برجسته‌ی پیروزی بهرام دوم بر هرمزد (شاه سکستان، هند تا کرانه های دریا) که در نزدیکی همین نقش برجسته و به ترتیب بازدید علاقه‌مندان، در منتهی الیه سمت چپ تنگ چوگان بیشاپور حجاری گردیده، بر سر بریده‌ی هرمزد سکانشاه نیز همین کلاه دیده می‌شود. احتمالاً نرسه که پس از مرگ بهرام دوم و به درخواست و حمایت بزرگان ساسانی از ارمنستان به آسورستان آمده بود و با طغیان و شورش علیه بهرام سوم، قدرت را تصاحب کرده خواسته به این وسیله یعنی اضافه کردن نقش بهرام سوم با کلاه سکانشاهی، به صورت نمادین شکست بهرام سوم و پیروزی خود را اعلام کرده باشد (موسوی حاجی، ۱۳۹۶: ۲۰۳).

نتیجه گیری:

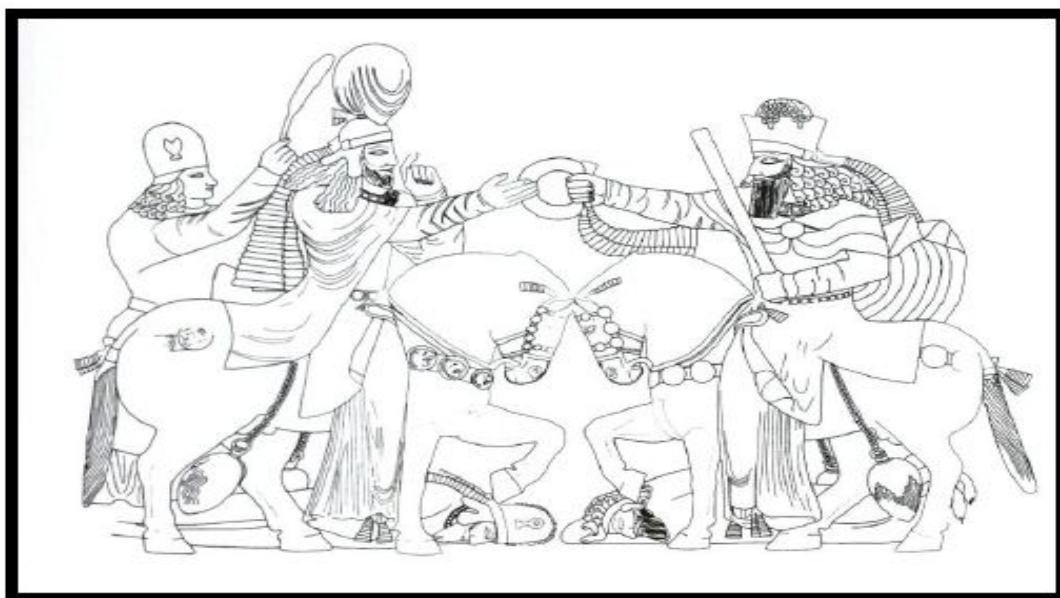
جهت بررسی و مطالعه نقش برجسته بهرام اول (گیلان شاه) که تحقیق آن صورت پذیرفت سعی شده از تمامی مدارک باستان شناسی نقش برجسته و سکه های موجود از بهرام اول استفاده شود. درعین حال سعی گردید که از مدارک تاریخی که می تواند الهام بخش و حل کننده تعدادی از سوالات و پرسشهای بوجود آمده باشد، بهره گیری گردد.

بر این اساس از مدارک موجود کتابخانه ای و میدانی استفاده گردید. ضمن این که داده های باستان شناسی و تطبیق با نکات تاریخی مدنظر قرار گرفت. در مجموع یک نقش برجسته از بهرام اول (گیلان شاه) مورد بررسی قرار گرفت، این نقش که جزو شاهکارهای هنری حجاری ساسانیان محسوب می شود در تنگ چوگان بیشاپور قرار دارد. در این حجاری بهرام اول به مانند نقش تاجگیری نقش رجب در سمت راست تصویر حجاری شده با تاجی که در تمام دوره ساسانی خاص می باشد و نه قبل از بهرام اول و نه بعد از وی هیچ کدام از پادشاهان از این تاج مشعشع که نماد ایزد باد می باشد استفاده نکرده اند.

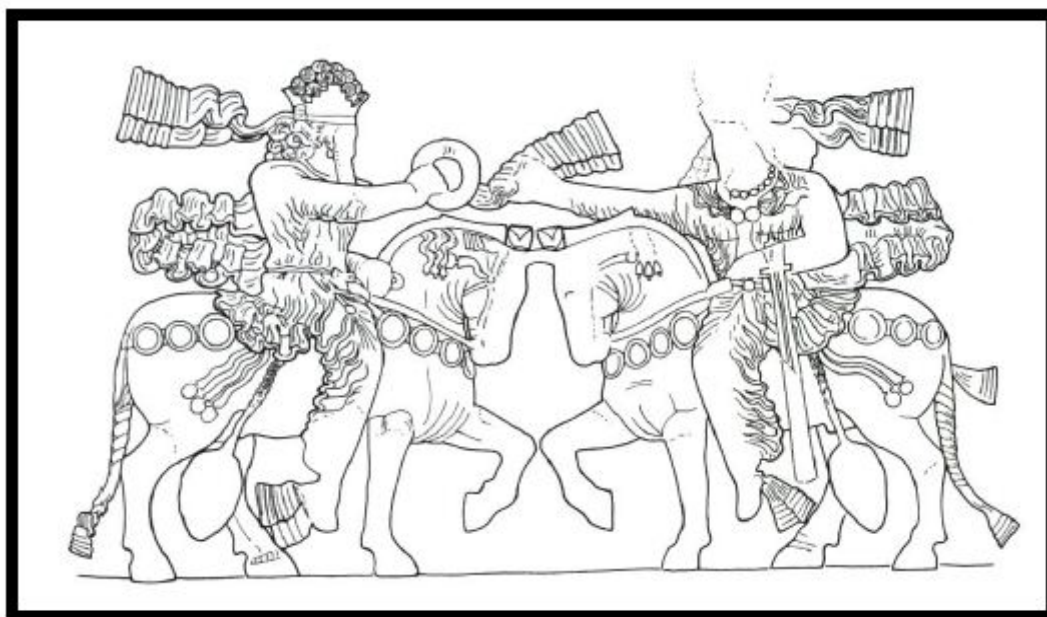
در مقابل بهرام اول نقش شخصی حجاری شده که تاجی کنگره دار به سر دارد با موهای مجعد در بالای تاج این نوع تاج در دوره اردشیر و شاهپور اول (کوشان شاه) مورد استفاده قرار گرفته است. این نقش را اگر شاهپور اول معرفی کنیم در این صورت بهرام اول با این کار خود جنبه بر حق بودن را نیز به عنوان جانشین شاهپور اول مد نظر قرار داده است، همین دلیل باعث پاک کردن نام بهرام و نوشتن نام نرسه است این دو نقش حجاری اول در دوران بهرام اول (گیلان شاه) می باشند. در دوران نرسه با سرنگون کردن بهرام سوم (سکانشاه) جنازه او را به نقش بهرام اول اضافه کرد از روی لباسهای این نقش و مخصوصا کلاه او که متعلق به پادشاه سکانها است به قطعیت او را بهرام سوم نوه بهرام اول معرفی می کنیم.



شکل 1- تنگ چوگان بیشاپور: صحنه تاجستانی بهرام اول (گیلان شاه) (موسوی حاجی. 1396. 232)



(شکل 2) نقش رستم : صحنه تاج ستانی اردشیر پاپکان از اهورامزدا و پیروزی او بر اردوان پنجم (موسوی حاجی . 221.1396)



شکل 3- نقش رجب : صحنه تاج ستانی شاهپور اول از خدای بزرگ اهورامزدا (موسوی حاجی . 232.1396)

فهرست منابع:

- آورزمانی. فریدون. (1371). نقشهای دره چوگان. فروهر. شماره 9 و 11. سال 2
- دریایی. تورج. (1383). شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. چ اول. تهران: انتشارات ققنوس.
- زرین کوب. عبدالحسین. (1368). تاریخ مردم ایران قبل از اسلام. چ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرفراز. علی اکبر. (2535). کشف نقش برجسته‌های مهم ساسانی در تنگ چوگان. در گزارشهای چهارمین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی در ایران. موزه ایران باستان، 2534. تهران. مرکز باستانشناسی ایران.
- شهبازی. علیرضا شاپور. (1389). تاریخ ساسانیان. ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی. چ اول. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی - صراف، محمدرحیم (1372). نقوش برجسته ایالم، چ اول. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طبری، محمدبن جریر. (1375). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج. دوم، چ پنجم. تهران: انتشارات اساطیر
- طحان. حسین. (1358). تاج های شهریاران ساسانی. تهران: انتشارات رازنهان
- فرای، ریچارد نلسون. (1389). تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان. در: تاریخ ایران کمبریج. جلد سوم، بخش اول: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. چ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عریان. سعید. (1382). راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی- پارتی. چ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده زبان و گویش سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کرزن. جرج. ن. (1362). ایران و قضیه ایران. ترجمه غ. وحید مازندرانی. ج. دوم. چ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- گیرشمن. رومن. (1366). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. چ ششم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- گیرشمن. رومن. (1379). بیشاپور، ج 1، ترجمه اصغر کریمی. چ اول. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- گیرشمن. رومن. (1391). هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی. ترجمه بهرام فره‌وشی. چ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوکونین. والادیمیر گریگوریویچ. (1384). تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت الله رضا. چ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی. ابوالحسن. (1365). التنبیه والشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چ سوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

هرتسفلد. ارنست. (1381). ایران در شرق باستان. ترجمه همایون صنعتی زاده. چ اول. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - .

هرمان. جورجینا. (1373). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان. ترجمه مهرداد وحدتی. چ اول. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

هرمان. جورجینا. (1389). نقوش برجسته صخره‌های ایران در دوره ساسانی. در: بینالنهرین و ایران در دوره اشکانی و ساسانی. به کوشش جان کرتیس. ترجمه زهرا باستی. چ اول. تهران: انتشارات سمت.

منابع خارجی:

Herrmann G. (1972). The Sasanian Rock Reliefs: Some Significant Details. in: The Memorial volume of the VIth International Congress of Iranian Art and Archaeology. Oxford. pp. 151- 162.

Herrmann, G. (1981). Early Sasanian Stoneworking: A Preliminary Report, Iranica Antiqua, Vol. XVI. pp. 151- 160.

Vanden berghe, L. (1959). Archéologie de l'Iran Ancien. Leyden - Vanden berghe. L. (1984), Reliefs Rupestres de l'Iran Ancien. Bruxelles

- Vanden Berghe, L. (1980). Lumiere Nouvelle sur l'interperation de Relifes Sassanides. Iranian Antiqua. Vol. XV.